

خداوندی سمری سمیع دای  
فرد آمد از برین سمیع و چنگ

کرد او بخورد از آن حسید  
بزد بر کفش از آن کریم

بروشن تن با لبز کوه  
سوی بچکان برده باش کند

که بودش منجان کام از کوه  
بدان که زار او نس کند

